

بررسی رابطه سبک زندگی مصرفی با شاخص ردپای بوم‌شناختی

فتانه حاجیلو*^۱، بهجت یزدخواستی^۲، محمدباقر علیزاده اقدم^۳

۱. دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر مؤسسه تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تبریز

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان byazdkhasti@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز aghdam1351@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۹

چکیده

شهرنشینی پایدار رهیافت جدیدی است که به واسطه رشد روزافزون شهرنشینی و تبدیل شدن آن به سبک زندگی رایج انسان‌ها، برای مطالعه تعامل متقابل انسان و محیط طبیعی توسعه یافته است و برای الزام به حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آتی و کاهش پیامدهای منفی ناشی از فعالیت‌های شهری بر محیط‌زیست سعی دارد با بررسی کنش‌های انسانی در قبال طبیعت، به رفتار انسانی جهت بخشد. منشأ این اندیشه آن است که علاوه بر تراکم جمعیت و بهره‌گیری از منابع، عادات مصرف و فناوری‌های به‌کار گرفته‌شده در روند توسعه نیز در محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند. مقاله حاضر با تکیه بر شاخص ردپای بوم‌شناختی به‌منزله شاخصی که پایداری را بر مبنای میزان و الگوی مصرف در جوامع مختلف ارزیابی می‌کند، به بررسی رابطه بین سبک زندگی مصرفی با جای پای بوم‌شناختی پرداخته است. بدین منظور با انتخاب تبریز به‌منزله جامعه آماری و با اتکا به شیوه پیمایش، به جمع‌آوری مستقیم اطلاعات از شهروندان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با استفاده از ابزار پرسش‌نامه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد بین متغیر مستقل و وابسته تحقیق رابطه مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی سبک زندگی مصرفی در تمام مؤلفه‌های سازنده ردپای بوم‌شناختی فردی تأثیر می‌گذارد و قوی‌ترین رابطه بین متغیر تبیین‌گر به ترتیب با ضرایب ۰/۳۲۹ و ۰/۳۱۳ با مؤلفه‌های مصرف کالا و پس از آن حمل‌ونقل مشاهده می‌شود.

کلیدواژه

الگوی مصرف، جای پای بوم‌شناختی، حفاظت از محیط‌زیست، شهرنشینی پایدار.

۱. مقدمه و بیان مسئله تحقیق

جامعه‌شناسان عوامل اجتماعی، تصمیم‌های سیاسی و تولید اقتصادی را به‌منزله عوامل کنترل محیط‌زیست بررسی می‌کنند. اینکه چه کسانی مشکلات محیط‌زیستی را به وجود می‌آورند یا حفظ ارزش‌های طبیعی یا آسیب‌رساندن به آن‌ها چه پیامدهایی برای جامعه‌های انسانی به دنبال دارد؟ چه مشکلات محیط‌زیستی در شهر و روستا وجود دارند و عامل اصلی ایجاد این مشکلات چیست؟ و چه گروهی از مشکلات محیط‌زیستی بیشتر رنج می‌برند از جمله مسائلی است که در این خصوص مطرح می‌شود و

شاید در نظر بسیاری از افراد، مسائل اجتماعی و محیط‌زیست ربطی به یکدیگر نداشته باشند، اما عده‌ای از صاحب‌نظران مسائل محیط‌زیست را در چرخه مسائل اجتماعی قرار می‌دهند و معتقدند مسائل محیط‌زیستی، چندان تفاوتی با دیگر مسائل اجتماعی مانند بزهکاری، بی‌خانمانی، جرایم جوانان یا ایدز ندارند، زیرا آنچه مهم است چگونگی پیدایش مسائل در اثر کنش و واکنش عاملان اجتماعی و روابط میان آن‌هاست. بر این اساس،

متغیرهای رفتار اجتماعی تأثیرگذار در میزان این شاخص است که شناخت آن‌ها می‌تواند برای ارائه راهکارهایی به منظور بهبود کیفیت محیط‌زیست تأثیرگذار باشد.

تبریز یکی از شهرهای مهم و بزرگ‌ترین شهر شمال‌غرب ایران است. این شهر به سبب مرکزیت سیاسی، اداری و تمرکز فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی، دانشگاهی و سطح بالای تخصص و خدمات، به‌منزله قطب جاذب حوزه نفوذ بسیار وسیعی در منطقه دارد. تبریز کلان‌شهر شمال‌غرب کشور است که مهاجران زیادی را از مناطق اطراف به خود جلب کرده و می‌کند، به طوری که محدوده شهر طی پنج دهه گذشته بیش از پنج برابر شده است. رشد شتابان این شهر به ویژه در دو دهه موجب توسعه ناپایدار آن شده است. انبوه جمعیت مصرف‌کننده ساکن در ساختمان‌های متراکم، موجب ایجاد انبوه زباله؛ و استفاده فراوان از وسایل نقلیه موتوری، موجب ایجاد انواع آلودگی هوا و صوتی در تبریز شده است. شرایطی نظیر تراکم جمعیت، مصرف انبوه، تولید فراوان زباله و سبک زندگی‌های گوناگون، در کنار محدودیت‌های طبیعی موجود در تأمین منابع مورد نیاز برای جمعیت ساکن، این شهر را به مورد مناسبی برای مطالعه شهرنشینی پایدار تبدیل کرده است. مقاله حاضر به شناخت تأثیر سبک زندگی مصرفی در میزان ردپای بوم‌شناختی افراد می‌پردازد.

۱.۱. چارچوب نظری پژوهش

در کنار تغییرات گسترده در جوامع به لحاظ افزایش جمعیت و مهاجرت گسترده از روستا به شهر و رشد شهرنشینی، توسعه دانش غربی که خود را مستقل از ارزش‌ها و باورها عنوان کرده، ایجاد جامعه صنعتی و رواج سرمایه‌داری برخی پیامدها از جمله تضعیف ساختارهای اجتماعی همچون خانواده، خویشاوندی و تغییر سبک زندگی را به دنبال داشته و مخاطبان خود را به مصرف‌کنندگان منفعلی تبدیل کرده که نقش آن‌ها به انتخاب بین خریدکردن و نکردن محدود می‌شود و توجهی

برای انسجام‌بخشیدن به تمامی این تلاش‌ها، مفهوم توسعه پایدار به‌منزله محور اصلی همواره مد نظر قرار می‌گیرد.

پایداری مفهومی است که هادی طراحی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در همه جوامع شده است و به‌منزله سیاست غالب محیط‌زیستی به ارتباط بین جوامع مصرفی، عوامل محیط‌زیستی و سیاست‌های اجتماعی اشاره می‌کند (Cahill, 2002).

برای سنجش پایداری و فهمیدن اینکه آیا عملاً به آنچه پایداری وعده می‌کند رسیده‌ایم یا نه، شاخص‌ها، معیارها و ضوابط مختلفی از سوی مراکز علمی در جهان برای بررسی و ارزیابی پایداری طراحی و معرفی شده است، اما استفاده از اغلب این شاخص‌ها چند مشکل عمده دارد. گاهی استفاده از آن‌ها می‌تواند سبب ایجاد درگیری‌های سیاسی شود، زیرا می‌تواند معیار ارزیابی سیاست‌های اتخاذشده سیاستمداران قرار گیرد. همچنین، چون توان طبیعی سرزمین‌های مختلف متفاوت است تمرکز بر برخی از آن‌ها نمی‌تواند مبنای درستی برای ارزیابی حرکت به سوی پایداری باشد. از این رو استفاده از الگوهایی که به محاسبات متأثر از برهم کنش‌های سازمان‌دهی‌شده اجتماع و محیط‌زیست تکیه کند پیشنهاد شده است.

Wackernagel و Rees در سال ۱۹۹۵ «ردپای

بوم‌شناختی»^۱ را مطرح کردند که از محاسباتی است که به بررسی کاهش تأثیر انسان در زمین تأکید دارد و در حال حاضر از آن به‌منزله شاخصی برای اندازه‌گیری عرضه و تقاضای منابع تجدیدپذیر مورد نیاز برای اطمینان از پایداری خدمات انسانی استفاده می‌شود. در چند سال گذشته این شاخص برای تخمین پیامدهای محیطی الگوهای تولید و مصرف استفاده شده است (Wilson & Anielski, 2004). شاخص ردپای بوم‌شناختی به ما امکان می‌دهد اقدام‌های مناسب فردی و جمعی را با ابزارهای موجود تداوم بخشیم.

انگیزه اساسی پژوهش حاضر از بررسی رابطه بین سبک زندگی مصرفی و ردپای بوم‌شناختی شناخت

بود که به جامعه‌های صنعتی هشدار می‌داد: اگر منابع در مدتی کوتاه مصرف شوند دوران محرومیت به زودی فرا خواهد رسید (Meadows et al., 1972). با وجود این، طی دهه‌های گذشته تقاضای مصرف همواره رشد داشته است، این مسئله موجب رشد بی‌وقفه جامعه‌های مصرفی تا به امروز بوده و این نوع تمایل به مدرنیته موجب تخریب محیط‌زیست شده است.

جامعه‌شناسان بر مصرف به‌منزله کنش اجتماعی تکیه می‌کنند. از این دیدگاه مصرف روندی اجتماعی شامل نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی است و نباید آن را صرفاً روند اقتصادی در نظر گرفت (باکاک، ۱۳۸۱). McCracken در کتاب خود با عنوان فرهنگ و مصرف، مصرف را پدیده‌ای کاملاً فرهنگی تلقی می‌کند و معتقد است در جوامع غربی و پیشرفته فرهنگ و مصرف به طور عمیقی به یکدیگر وابسته‌اند، به اعتقاد او مصرف ابزار کار است که فرهنگ آن را تولید، بازتولید و دستکاری می‌کند.

مصرف‌گرایی ایده مصرف را در زندگی فردی و سبک زندگی و شیوه رفتار فرد در زندگی فردی و اجتماعی او بررسی می‌کند. این بحث هم جنبه اجتماعی دارد، زیرا در زمان مصرف فرد احساس می‌کند هویتش از جنبه‌های مختلف اجتماعی مصرف تأثیر پذیرفته و هم فردی است، زیرا شخص از طریق مصرف قصد ساختن هویتی برای خود را دارد. «مصرف نوعی تعامل دوسویه بین ساختارها و فرد است، پلی بین افراد و جامعه است و در این میان اینکه چه کسی و چه نهادهایی مصرف را می‌سازند اهمیت پیدا می‌کند» (بهار، ۱۳۹۱).

بر این اساس، برای تبیین علل مخاطرات محیط‌زیست، از نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر که با تلفیق بحث عاملیت و ساختار و ایجاد پیوند بین ساختار دنیای اجتماعی و روابط انسانی با دنیای درونی ارزش‌ها و معنا به بررسی مسائل می‌پردازند استفاده می‌شود، زیرا مسائل محیطی پیامد رابطه متقابل کنش انسان با محیط پیرامون از جمله سبک زندگی و الگوی مصرف انسان به شمار می‌روند.

به پیامدهای تأسفات آن که به شکل «ناپایداری» ظاهر شده است، ندارند. این ناپایداری حاصل از تغییرات روزافزون در منابع طبیعی یا سنگینی بار بوم‌شناختی، تهدیدی جدی برای زیست‌بوم‌هاست، زیرا توان یا فرصت بازسازی و بارگیری دوباره را از آن‌ها می‌گیرد.

رویکرد ردپای بوم‌شناختی، می‌تواند مفهوم بارگیری دوباره منابع و میزان کاربرد آن‌ها را به‌منزله عوامل کلیدی در فرایند توسعه پایدار جوامع انسانی ارائه دهد. آنچه طبیعت به ما عرضه می‌کند، برای زندگی مصرف می‌کنیم، بر این اساس، هر اقدامی که انجام می‌دهیم، بر زیست‌بوم‌های کره زمین تأثیر می‌گذارد (سرای و زارعی، ۱۳۸۹).

ردپای بوم‌شناختی عبارت از کل زمین‌هایی است که به نفع مصرف یک فرد از تولیدات زمین و استفاده از زمین برای جذب زباله‌ها و مواد آلوده اشغال می‌شود و برای نشان دادن تأثیر جمعیت در زمین به کار می‌رود. این مفهوم از راه تبدیل تمام انواع منابع استفاده‌شده از نظر اهمیت برحسب وسعت زمین اندازه‌گیری می‌شود. مفهوم ردپای بوم‌شناختی در کنار مفهوم فضای زیست‌محیطی بحث جامعه‌های مصرفی را به پایداری پیوند می‌زند (کهیل، ۱۳۸۷).

میانگین کل سرانه ردپای بوم‌شناختی یا EF_c با جمع‌آوری کل مناطق اکوسیستم تخصیص داده‌شده برای هر فرد به منظور پرکردن سبد خرید سالانه مصرف کالاها و خدمات وی محاسبه می‌شود. محاسبه این شاخص بر اساس اقلام پنج‌گانه مصرف - خوراک، مسکن، حمل و نقل، کالاها و خدمات مصرفی - و در هشت طبقه کاربری زمین شامل: زمین کشاورزی، جنگل و مرتع، فضای ساختمان‌سازی، زمین کمتر حاصل‌خیز، حوزه ماهیگیری دریایی و درون سرزمینی، اقیانوس آزاد و زمین مربوط به انرژی صورت می‌گیرد. میزان سرانه ردپا بازتاب رفاه (مصرف مادی) و پیشرفت فناوری‌های استفاده‌شده یا قابل استفاده جمعیت مورد نظر است (Rees and Wackernagel, 1996).

انتشار گزارش «محدودیت‌های رشد» سندی برجسته

بودریار این مسئله را چنین تبیین می‌کند که فرایند تمایزگذاری، دارای یک جنبه واقعی و ساختاری است که یکی آگاهانه و دیگری غیرآگاهانه است. مصرف‌کننده رفتارهای خود را آزادی، سلیقه و حق انتخاب تصور می‌کند و آن‌ها را الزامات تمایزگذاری و پیروی از رمزگان در نظر نمی‌گیرد. هر فرد دستاوردهای اجتماعی تمایزآمیز خود را دستاوردی مطلق تلقی می‌کند و الزامات ساختاری را که سبب مبادله جایگاه‌ها و حفظ تمایزات می‌شود در نظر نمی‌گیرد (بودریار، ۱۳۸۹).

باکاک نیز تأکید می‌کند: «انسان در جهان مدرن مصرف می‌کند، چون مصرف حس هویت انسان را برمی‌انگیزد، این هویت می‌تواند فردی یا جمعی باشد به هر حال مصرف اینجا نقش محوری پیدا می‌کند» (باکاک، ۱۳۸۱).

این در حالی است که مصرف حوزه اجتماعی ساختاریافته است که در آن نه تنها کالاها بلکه نیازها نیز مثل سایر مشخصه‌های فرهنگ از یک گروه مدل یا نخبگان رهبری‌کننده به سایر قشرهای اجتماعی انتقال می‌یابند. هیچ نیازی به طور خودجوش از مصرف‌کننده پایه بر نمی‌خیزد، بلکه نیازها و رضایت‌مندی به سمت پایین رخنه می‌کنند (trickling down) (بودریار، ۱۳۸۹).

در هر حال نکته مهم آن است که «نباید فراموش کرد یکی از معانی مصرف تخریب‌کردن است. جامعه‌های مصرفی به ویژه به محیط‌زیست آسیب وارد می‌کنند، اما بدون توجه به این مسئله، همواره ایجاد تقاضا در میان مردم به وسیله تبلیغات رسانه‌ای بدین مفهوم که تنها از طریق خرید کالاهای بیشتر ارضا می‌شوند ادامه دارد» (McLaren et al., 1998).

کاپرا بر این نظر است که تأمین نیازهای همه مردم و فقرزدایی، رشد اقتصادی بالا، عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر نیازمند سیستم سیاسی مردم‌محور و تضييع‌نکردن حقوق آیندگان و اتخاذ خط‌مشی‌های هماهنگ با طبیعت و نوعی سبک زندگی است که «با توان فطری طبیعت برای ادامه حیات تداخل نیابد» (کاپرا،

در تبیین شکل‌گیری سبک زندگی و الگوی مصرف نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است؛ گیدنز در تعریف مفهومی از سبک زندگی می‌نویسد: «سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد. این عملکردها نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌کنند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌کنند. سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های فرد در جریان زندگی روزمره است» (گیدنز، ۱۳۸۷).

سبک زندگی از جهت‌گیری‌های ارزشی افراد سرچشمه می‌گیرد. برای مثال، اشخاصی که تمایلات مادی‌گرایانه دارند بیشتر وقت خود را در مراکز خرید و مغازه‌ها می‌گذرانند یعنی سبک زندگی آن‌ها مادی‌گرایانه است (Gatersleben, 2009).

به نظر بورديو تعیین‌کننده‌های خاص سبک زندگی با موقعیتی که فرد درون سلسله‌مراتب اجتماعی دارد محصور شده است. بنابراین، طبقه فرد، عادت‌های مصرفی فرد را که وابسته به درآمد وی است، شکل می‌دهد (Tomlinson, 1998). به عبارت دیگر، بر خلاف گیدنز، بورديو در ترجیح بین عاملیت و ساختار، ساختار را در شکل‌گیری سبک زندگی مؤثر می‌داند. این بدان معنی است که مردم در زندگی روزانه خود کاری بیشتر از آنچه بدیهی است انجام می‌دهند، زیرا عمل آن‌ها به واسطه ساختار بیرونی یا به عبارتی دنیای اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

David Chaney نیز عناصر سازنده سبک زندگی را ساخت اجتماعی فرهنگ، فرهنگ مدرنیته و به ویژه فرهنگ مصرف می‌داند. به نظر او این مفهوم زیرمجموعه بحثی عام‌تر به نام فرهنگ مصرف‌گرایی است، زیرا سبک زندگی در توصیف کنش خود و دیگران قرار می‌گیرد و برای کنش افراد الگوهای را ایجاد می‌کند. افراد برای نشان‌دادن تمایز یا اتصال خود به گروه‌های خاص به مصرف کالاهای خاص تأکید می‌کنند (فردرو و صداقت‌زادگان، ۱۳۸۰).

پارامترهای مربوط به متغیرهای مستقل حدود ۸۴ درصد در اجزای ردپای بوم‌شناختی در بوشهر تأثیر دارند.

صالحی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نگرش جدید به محیط‌زیست و مصرف انرژی» که مستخرج از نتایج پژوهشی پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان است نشان می‌دهد که نیمی از پاسخگویان الگوی نوین زیست‌محیطی را پذیرفته‌اند و اکثر آن‌ها نیز از الگوی مطلوب مصرف انرژی با رویکرد صرفه‌جویی در انرژی پیروی می‌کنند. علاوه بر این، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که الگوی نوین زیست‌محیطی، الگوی مصرف انرژی را در مناطق روستایی و شهری تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این تحقیق طرز تلقی مردم نسبت به محیط‌زیست مبتنی بر باورهای سه‌گانه موازنه بین طبیعت و انسان، محدودیت رشد اقتصادی و روابط پایدار با طبیعت است.

محمدی‌نیا (۱۳۸۶) در تحقیق خود برای بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در عملکرد زنان برای حفظ محیط‌زیست بر نقش زنان به‌منزله انتقال‌دهندگان فرهنگ، اصلاح فرهنگ مصرف و مدیریت خانه و عامل انتقال میراث معنوی و دانش محیط‌زیست که نقش مؤثری در حفاظت از محیط‌زیست دارد تأکید می‌کند.

Emine Ozmat در سال ۲۰۱۱ در تحقیقی با عنوان «فهم سرمایه اجتماعی و رهیافت اکوسیستمی» به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ارتباط با زیست‌بوم پرداخته است. او ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رهیافت اکوسیستمی را در سه سطح خرد، متوسط و کلان بررسی کرده است و نشان می‌دهد که در سطح خرد، تجارب اجتماعی شدن در خانواده تأثیر زیادی در سرمایه اجتماعی دارند. آموزش تأثیر زیادی در گسترش شبکه‌های ارتباطی افراد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی دارد. محقق تأکید می‌کند با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی، در ارتباط بین انسان‌ها با پیرامون

(۱۳۸۳). رفتارهای مبتنی بر حمایت از محیط‌زیست از جمله رفتارهای مصرفی افراد به شمار می‌روند که می‌توانند سبک زندگی را به وجود آورند و در راستای حفاظت از محیط‌زیست و دربردارنده الگوهایی از رفتار هستند که با زیست‌بوم هماهنگی دارند و چرخه آن را مختل نمی‌کنند (McLaren et al., 1998).

این نوع سبک زندگی دلالت به تولید و مصرف کالاهای هماهنگ با طبیعت، مصرف بهینه انرژی، کاهش تولید زباله، استفاده از مواد شوینده غیرمضر برای طبیعت و رفتارهای دیگری دارد که برای محیط‌زیست مضر نباشند و ارتباط انسان با زیست‌بوم به ارتباطی دوستانه تبدیل شود. وقتی افراد مجموعه‌ای از این رفتارها را برگزیده و انجام می‌دهند، در حقیقت به کاهش ردپای بوم‌شناختی کمک می‌کنند.

این مفهوم مرز بین حوزه عمومی و خصوصی را زیر سؤال می‌برد، زیرا به این معنی است که تصمیمات ما در زندگی روزمره، مثل اینکه چه بخوریم و چه بپوشیم؟ چگونه سفر کنیم و با زباله‌ها چه کنیم؟ به اندیشیدن درباره پیامدهای زیست‌محیطی آن نیاز دارد و به این نکته تأکید می‌کند که ما در این دنیا تنها نیستیم و باید اثر شیوه زندگی خود را بر سایر موجودات در نظر بگیریم (Smith, 1998).

۲.۱. پیشینه تجربی پژوهش

سرایی و زارعی‌فرشاد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی توسعه پایدار بوشهر از منظر اقتصادی و اجتماعی» از شاخص ردپای بوم‌شناختی استفاده کرده‌اند. محققان تأکید کرده‌اند، با توجه به اینکه یکی از مدل‌های مهم ارزیابی پایداری، استفاده از شاخص ردپای بوم‌شناختی است برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی آن‌ها در ارزیابی خود از این شاخص استفاده کرده‌اند. جامعه آماری مطالعه آن‌ها ۲۵۰ نفر از ساکنان بوشهر بوده است. محققان با استفاده از تحلیل رگرسیونی به بررسی داده‌ها پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در بوشهر

آن‌ها معنی می‌یابد نقش مؤثری در ارتباط انسان با محیط‌زیست دارد.

Oosterveer و Spaargaren در سال ۲۰۱۰ در مقاله‌ای با عنوان «شهروندان مصرف‌کننده به‌منابۀ عوامل تغییر در جهانی‌شدن: مطالعه موردی مصرف پایدار»، به این نکته تأکید و اشاره می‌کنند که شیوه مصرف به‌منزله واحد اساسی برای بررسی نقش شهروند مصرف‌کننده عامل ایجاد تغییر در محیط‌زیست است. آن‌ها همچنین تکنولوژی را به‌منزله عامل ایجاد زیرساخت‌های صنعتی در روند جهانی مصرف و روابط بین افراد و سیاره زمین را در روند مصرف سبز تحلیل می‌کنند. محققان چنین نتیجه می‌گیرند که شهروندان حامی حفظ محیط‌زیست از شیوه‌هایی پیروی می‌کنند که در آن هر شهروند به‌منزله مصرف‌کننده متوجه ایجاد پیامدهای مصرف برای محل و منطقه خود است.

Galli و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «منسجم‌سازی بوم‌شناختی ردپای کربن و آب در شاخص ردپای خانواده» برای اولین بار در مطالعات مرتبط با ردپای بوم‌شناختی به ارائه شاخص ردپای خانواده به‌منزله معیاری برای سنجش مجموع فشارهای وارده ناشی از سبک زندگی بر طبیعت می‌پردازند. آن‌ها درصدد ارائه شاخص کمی در پاسخ به محدودیت‌های استفاده از سرمایه‌های طبیعی در زمینه مصرف آب و تولید دی‌اکسید کربن در جهت پایداری جامعه جهانی هستند.

Partidario, Maria R. Vicente, Gustavo و Constança Belchior در سال ۲۰۱۰ در پژوهشی با عنوان «چگونه دیدگاه پایداری سبک زندگی را هدایت می‌کند؟» به این مسئله اشاره کرده‌اند که طی دو دهه گذشته طیف گسترده‌ای از تغییرات فناوری، اجتماعی و سیاسی به لحاظ درک مفهوم پایداری ایجاد شده‌اند. این تغییرات اساساً در تغییر مصرف منابع طبیعی، تغییر الگوی غلبه بر طبیعت و نوآوری‌های اقتصادی که رعایت قواعد حفظ محیط‌زیست

در آن انعکاس یافته است دیده می‌شود. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که تأکید بیشتر بر بسترهای خاص حفظ پایداری موجب می‌شود این اصول در انتخاب سبک زندگی، رفتار و انگیزه‌های مصرفی مردم بروز یابند.

۳.۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به جمع‌آوری مستقیم اطلاعات از شهروندان تبریز می‌پردازد. شیوه آن پیمایش و با توجه به اهداف، از نوع کاربردی است. تحقیق از نظر زمانی مقطعی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری این پژوهش را تمام شهروندان بین ۱۵ تا ۷۵ سال تشکیل می‌دهند که در مدت زمان تحقیق در تبریز سکونت دارند. نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای با تعیین جمعیت به تفکیک مناطق ده‌گانه شهر انجام شده است.

انتخاب نمونه آماری با استفاده از رابطه

$$n = \frac{N(z)^2 \times \sigma^2}{(N-1)d^2 + (z)^2 \times \sigma^2}$$

محاسبه می‌شود که در آن، n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری، z ضریب مشخص‌کننده احتمال خطا در حدود اطمینان تحت بررسی، d خطای قابل قبول اندازه‌گیری در سطح اطمینان تحت بررسی و σ به انحراف معیار صفت مورد مطالعه در جامعه تحت بررسی اشاره می‌کند.

با استناد به آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با توجه به اینکه انحراف معیار مربوط به متغیر ردپای بوم‌شناختی در پیش‌آزمون انجام‌یافته ۵/۱۹۸ محاسبه شده است، با در نظر گرفتن اینکه مقدار z در سطح اطمینان ۹۵ درصد در جدول مقادیر استاندارد آن برابر ۱/۹۶ و مقدار خطای قابل قبول در این سطح اطمینان ۰/۰۵ است، با قراردادن مقادیر در معادله مربوط، حجم نمونه قابل بررسی ۴۱۵ نفر محاسبه شده است.

$$n = \frac{1106731 \times (1/96)^2 \times (5/2)^2}{(1106731-1) \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times (5/2)^2} = 415$$

با توجه به اینکه نمونه‌گیری از کل مناطق ده‌گانه انجام

که در ایجاد مصرف انبوه نقش اساسی دارد (Featherstone, 1991).

به منظور تعیین اعتبار سازه‌ای و سنجش میزان پایایی و همبستگی درونی داده‌ها پرسش‌نامه طراحی شده در یک پیش‌آزمون با حجم نمونه ۵۰ نفری بررسی شد. برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه تحقیق، تفکیک و دسته‌بندی سؤالات از تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است. مقدار این شاخص بین ۱ و صفر تغییر می‌کند و هرچه از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده مناسب بودن عامل تعریف شده است. نتایج مربوط به این بررسی در جدول ۱ نشان داده شده است. نتایج این آزمون برای متغیر وابسته مقدار $KMO=0/761$ با معنی‌داری $sig=0/000$ به دست آمده که نشان می‌دهد تعداد گویه‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها بر اساس تحلیل عاملی برای بررسی این متغیر مناسب است. میزان تبیین متغیر بر اساس واریانس محاسبه شده ۵۳/۵۸۴ درصد است. این شاخص برای متغیر سبک زندگی مصرفی نیز مقدار $KMO=0/912$ با معنی‌داری $sig=0/000$ به دست آمده است. میزان تبیین برای این متغیر ۵۱/۱۰۷ درصد است. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول ۱ نشان‌دهنده نتایج محاسبه این ضریب است. مقدار این شاخص بین ۱ و صفر تغییر می‌کند و هرچه از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد نشان‌دهنده پایایی قوی‌تر عامل تعریف شده است.

شده است برای از بین بردن تأثیر کدهای گمشده حجم نمونه به ۴۵۰ نفر افزایش داده شد و در نهایت پس از حذف پرسش‌نامه‌های دارای نقص، ۴۴۳ نمونه بررسی نهایی شده است.

سنجش متغیر وابسته بر اساس پرسش‌نامه سنجش ردپای بوم‌شناختی فردی که در شبکه جهانی ردپای بوم‌شناختی طراحی شده انجام گرفته است. از بین مؤلفه‌های به کاررفته در پرسش‌نامه مرجع مؤلفه‌های همخوان با سبک زندگی مردم در منطقه تحت بررسی پژوهش انتخاب و در نهایت این متغیر بر اساس هشت مؤلفه: مصرف انرژی، مصرف غذا، مصرف آب، مصرف کالا، تولید زباله، حمل و نقل، مسکن و خدمات، به اضافه یک مؤلفه جدید که در این پژوهش از آن با عنوان استفاده نکردن از کالاهای قابل استفاده مجدد، نام برده شده و بر اساس نتایج تحلیل عاملی ظاهر شده است، سنجش شد. هدف اصلی پژوهش تبیین رابطه سبک زندگی و ردپای بوم‌شناختی است نه اندازه‌گیری مقدار دقیق ردپا، لذا متغیر وابسته به صورت طیفی که یک سوی آن کمترین میزان ردپا و سوی دیگر آن بیشترین میزان ردپای ممکن بر اساس سبک زندگی مصرفی را شامل می‌شود بررسی شده است.

متغیر مستقل پژوهش سبک زندگی مصرفی و دال بر شیوه‌هایی است که در جامعه از سوی گروه‌های اجتماعی در زمینه خرید کالا و مصرف آن مشاهده می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲). این واژه در فرهنگ معاصر معنای ضمنی فردیت، بیان خویشتن و خودآگاهی مبتنی بر سبک پیدا کرده است

جدول ۱. مقادیر شاخص تحلیل عاملی برای متغیرهای تحقیق

عامل‌ها	شاخص KMO	درصد تبیین واریانس عامل	معنی‌داری	ضریب آلفای کرونباخ
ردپای بوم‌شناختی	۰/۷۶۱	۵۳/۵۸۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۰
سبک زندگی مصرفی	۰/۹۱۲	۵۱/۱۰۷	۰/۰۰۰	۰/۸۹۱

۲. یافته‌های پژوهش

۱. ۲. آمار توصیفی

آماره‌های اندازه‌گیری ردپای بوم‌شناختی و سبک

زندگی مصرفی

سنجش میزان ردپای بوم‌شناختی به‌منزله متغیر وابسته تحقیق، با استفاده از ۴۳ گویه در سطح رتبه‌ای و طیف پنج گزینه‌ای لیکرت انجام یافته، نمره ۴۳ نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح ردپای بوم‌شناختی و نمره ۲۱۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح این متغیر است. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه ۱۲۶ به دست آمده که ۵۸/۶۰ درصد از مقیاس تعریف‌شده را به خود اختصاص می‌دهد و بیانگر ردپایی بالاتر از میانگین قابل اکتساب است.

برای سنجش سبک زندگی مصرفی به‌منزله متغیر مستقل تحقیق نیز از ۱۷ گویه در سطح رتبه‌ای و طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده که نمره ۱۷ نشان‌دهنده پایین‌ترین سطح مصرف و مصرف‌گرایی و نمره ۸۵ نشان‌دهنده بالاترین سطح ممکن برای این متغیر است. میانگین نمره این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه ۴۴/۳۶ است. جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر ردپای بوم‌شناختی و سبک زندگی مصرفی شهروندان را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر ردپای بوم‌شناختی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه	نمره برحسب درصد	کشیدگی	چولگی
ردپای بوم‌شناختی	۱۲۶	۱۳	۸۴	۸۲	۱۶۶	۵۸/۶۰	۰/۱۵۹	۰/۱۷۶
سبک زندگی مصرفی	۴۴/۳۶	۱۰	۶۱	۱۹	۸۰	۵۲/۱۸	۰/۵۵۴	۰/۲۸۹

جدول ۳. آماره‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های سازنده متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

متغیر	مؤلفه	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کشیدگی	چولگی	نمره بر حسب درصد
ردپای بوم‌شناختی	مصرف انرژی	۸	۱۹/۸۷	۳	۱۱	۳۶	۱/۲	۰/۶۲۴	۵۵/۵
	مصرف غذا	۸	۲۳/۷۸	۴/۵	۱۲	۳۸	۰/۰۷۲	۰/۳۱۸	۵۷/۸۹
	مصرف آب	۶	۱۸/۹۰	۲/۸۴	۱۰	۲۶	-۰/۰۹۳	-۰/۱۴۶	۷۲/۶۹
	مصرف کالا	۶	۱۲/۵۳	۳/۴	۶	۲۴	۰/۳۸	۰/۷۰۹	۵۲/۲۰
	استفاده نکردن مجدد کالا	۴	۱۶	۵/۳	۴	۲۰	-۰/۹۴۰	۰/۱۲۰	۸۰
	تولید زباله	۲	۵/۳	۱/۳	۲	۱۰	۰/۳۵۰	-۰/۲۲۲	۵۳
	حمل و نقل	۶	۷	۱/۸	۲	۱۰	-۰/۰۶۷	-۰/۵۷	۷۰
	خدمات مسکن	۴	۵/۵۶	۱/۸	۲	۱۰	-۰/۶۰۴	۰/۲۴۴	۵۵/۶
سبک زندگی مصرفی	مسکن	۱	۲/۶۸	۰/۸۶	۱	۵	۰/۲۵۵	۰/۷۵۵	۵۳/۶
	مصرف منزلتی	۷	۱۹/۰۵	۶/۱	۷	۳۵	-۰/۱۴۶	۰/۲۷۶	۵۴/۴۲
	تمایل به مصرف	۵	۱۴/۵۷	۳/۸	۵	۲۵	۰/۰۶۲	-۰/۱۶۲	۵۸/۲۸
میزان مصرف	۵	۱۰/۷۷	۳/۹	۵	۲۳	۰/۰۱۸	۰/۷۴۵	۴۶/۸۲	

مؤلفه‌های تحت بررسی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۳ نشان داده شده است.

۲.۲. آمار استنباطی

رابطه بین مؤلفه‌های سازنده ردپای بوم‌شناختی

با بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سازنده متغیر ردپای بوم‌شناختی با یکدیگر، مشاهده می‌شود که بین این مؤلفه‌ها همبستگی درونی وجود ندارد، از این رو کاهش مقدار یک مؤلفه، کاهش مقدار آن را در خصوص سایر مؤلفه‌ها تضمین نمی‌کند. بنابراین، برای کاستن مقدار کل ردپای بوم‌شناختی توجه به تمام ابعاد و مؤلفه‌های سازنده آن ضروری است. نتایج آزمون همبستگی مربوط در جدول ۴ آمده است.

بررسی مقادیر مربوط به مؤلفه‌های سازنده متغیر وابسته و مستقل تحقیق، مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد شهروندان تبریز در بعد بی‌توجهی به استفاده از کالاهای قابل استفاده مجدد، همچنین در ابعاد مصرف آب و حمل و نقل دارای میانگین بالاتر و ردپای بوم‌شناختی بیشتری در این ابعاد نسبت به سایر مؤلفه‌های سازنده ردپای بوم‌شناختی هستند. پس از آن میانگین نمره‌های کسب‌شده شهروندان به ترتیب در ابعاد مصرف غذا، مسکن، مصرف انرژی، تولید زباله و مصرف کالا، بیشتر از میانگین قابل اکتساب در دامنه تغییرات هر مؤلفه است.

نمره کسب‌شده برای سبک زندگی نیز ۵۲/۱۸ درصد از مقیاس تعریف‌شده را شامل می‌شود که بیانگر سبک زندگی مصرفی کمی بیش از میانگین مقیاس است. نتایج مربوط به

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی بین ابعاد ردپای بوم‌شناختی

مؤلفه‌ها	مصرف انرژی	مصرف غذا	مصرف آب	مصرف کالا	استفاده مجدد	تولید زباله	حمل و نقل	خدمات	مسکن
مصرف غذا									
ضریب همبستگی	۰/۱۶۰								
معنی‌داری	۰/۰۰۰								
مصرف آب									
ضریب همبستگی		۰/۱۷۰							
معنی‌داری		۰/۰۰۰							
مصرف کالا									
ضریب همبستگی			۰/۲۲۴	۱					
معنی‌داری			۰/۰۰۰						
استفاده نکردن مجدد کالا									
ضریب همبستگی					۰/۱۶۶				
معنی‌داری					۰/۰۰۰				
تولید زباله									
ضریب همبستگی						۰/۱۲۴			
معنی‌داری						۰/۰۰۹			
حمل و نقل									
ضریب همبستگی							۱		
معنی‌داری							۰/۰۰۰		
خدمات									
ضریب همبستگی								۰/۰۲۶ ^{ns}	
معنی‌داری								۰/۵۹۰	
مسکن									
ضریب همبستگی									۰/۰۶۲ ^{ns}
معنی‌داری									۰/۰۹۶
مصرف انرژی									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
مصرف غذا									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
مصرف آب									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
مصرف کالا									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
استفاده نکردن مجدد کالا									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
تولید زباله									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
حمل و نقل									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
خدمات									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									
مسکن									
ضریب همبستگی									
معنی‌داری									

ns غیر معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

۳. بررسی رابطه بین سبک زندگی مصرفی با ردپای بوم‌شناختی و مؤلفه‌های سازنده آن

برای بررسی رابطه بین ردپای بوم‌شناختی و سبک زندگی مصرفی از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد ضریب همبستگی محاسبه‌شده برابر ۰/۶۶۴ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است که نشان می‌دهد بین ردپای بوم‌شناختی و سبک زندگی مصرفی رابطه معنی‌دار قوی وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۵ مربوط به نتایج رابطه بین متغیر مستقل با مؤلفه‌های سازنده متغیر ردپای بوم‌شناختی، قوی‌ترین رابطه بین سبک زندگی مصرفی با مصرف کالا و پس از آن مصرف انرژی، تولید زباله و حمل و نقل مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش مقدار مربوط به سبک زندگی مصرفی، ردپای بوم‌شناختی افراد در این مؤلفه‌ها نسبت به سایر مؤلفه‌های سازنده ردپا بیشتر افزایش می‌یابد.

برای تعیین سهم و میزان تأثیر متغیر مستقل تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته، همچنین برای تبیین سهم تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات مؤلفه‌های سازنده ردپای بوم‌شناختی از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد سبک زندگی مصرفی در تمام مؤلفه‌های سازنده ردپای بوم‌شناختی تأثیر می‌گذارد، بیشترین تأثیر این متغیر در مؤلفه‌های تحت بررسی در خصوص مصرف کالا و پس از آن مصرف خدمات مشاهده می‌شود. ضرایب رگرسیونی محاسبه‌شده نشان می‌دهند این متغیر تقریباً تأثیری یکسان در افزایش میزان مصرف آب و غذا دارد. قوی‌ترین رابطه بین متغیرهای تبیین‌گر با مؤلفه‌های مصرف کالا و پس از آن مؤلفه حمل و نقل مشاهده می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی بین متغیر سبک زندگی مصرفی با متغیر وابسته و مؤلفه‌های آن

معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیر
۰/۰۰۰	۰/۶۶۴**	ردپای بوم‌شناختی
۰/۰۰۰	۰/۳۷۷**	مصرف انرژی
۰/۰۰۰	۰/۲۷۰**	مصرف غذا
۰/۰۰۰	۰/۲۶۲**	مصرف آب
۰/۰۰۰	۰/۵۷۸**	مصرف کالا
۰/۰۶۹	۰/۰۷۸ ^{ns}	استفاده نکردن مجدد کالاها
۰/۰۰۰	۰/۳۳۳**	تولید زباله
۰/۰۰۰	۰/۳۲۱**	حمل و نقل
۰/۰۰۰	۰/۲۸۲**	خدمات
۰/۰۰۱	۰/۱۶۴**	مسکن

ns و * و ** به ترتیب غیرمعنی‌دار و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد

جدول ۶. ضریب تبیین متغیر سبک زندگی مصرفی در معادله رگرسیونی

مدل	B استاندارد نشده	بتای استاندارد	t	معنی‌داری*
عرض از مبدأ	۱۰۰/۶۷۶		۱۶/۷	۰/۰۰۰
سبک زندگی مصرفی	۰/۶۳۳	۰/۵۴۸	۱۳/۳	۰/۰۰۰

* معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد

جدول ۷. خلاصه نتایج رگرسیون چندگانه تأثیر متغیر مستقل در مؤلفه‌های متغیر وابسته

معنی داری	بنای استاندارد	متغیر تبیین گر	ضریب تبیین تصحیح شده	معنی داری	ضریب همبستگی چندگانه	ابعاد متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۰/۳۷۷*	سبک زندگی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳۸	مصرف انرژی
۰/۰۰۰	۰/۲۷۰*	سبک زندگی	۰/۰۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	مصرف غذا
۰۰/۰۰۰	۰/۲۷۷*	سبک زندگی	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹	مصرف آب
۰/۰۰۰	۰/۴۹۹*	سبک زندگی	۰/۳۲۹	۰/۰۰۰	۰/۵۷۸	مصرف کالا
۰/۳۴۳	۰/۰۵۱ ^{ns}	سبک زندگی	۰/۰۰۹	۰/۰۹۵	۰/۱۳۳	استفاده مجدد از
۰/۰۰۰	۰/۲۹۷*	سبک زندگی	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۳۶۷	تولید زباله
۰/۰۰۰	۰/۲۱۹*	سبک زندگی	۰/۳۱۳	۰/۰۰۰	۰/۵۶۵	حمل و نقل
۰/۰۰	۰/۳۰۹*	سبک زندگی	۰/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۳۰۲	خدمات
۰/۰۰۶	۰/۱۴۶*	سبک زندگی	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۳	مسکن

ns و * به ترتیب غیر معنی دار و معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

۴. بحث و نتیجه گیری

اکتساب آن در قالب متغیر تعریف شده است. بررسی ابعاد سازنده این مفهوم حاکی از آن است که شهروندان تبریزی بیشترین مقدار ردپا را در زمینه به کار نرفتن کالاهای قابل استفاده مجدد بر جای می‌گذارند، بدیهی است که استفاده مجدد از کالاهای قابل مصرف به کاهش میزان مصرف و در نهایت استفاده کمتر از منابع طبیعی و ایجاد آسیب در محیط زیست منجر می‌شود. به نظر می‌رسد این مسئله موجب ایجاد رابطه قوی بین سبک زندگی مصرفی و مصرف کالا در پژوهش حاضر است. هرچند بررسی مؤلفه‌های سازنده سبک زندگی مصرفی نشان می‌دهد که در دو مورد تمایل به مصرف و مصرف منزلتی مقادیر بالاتری از میانگین برای این مؤلفه‌ها کسب شده، اما با توجه به بالابودن مقادیر مربوط به استفاده نکردن مجدد از کالا به نظر می‌رسد این مسئله نیز در افزایش میزان مصرف تأثیرگذار است.

یکی دیگر از پیامدهای این نوع سبک زندگی و الگوی مصرف، افزایش ردپا در بعد مصرف انرژی است که در یافته‌های پژوهش مشهود است. نتایج مقاله صالحی (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد افرادی که الگوی نوین زیست محیطی را پذیرفته‌اند از الگوی مطلوب مصرف انرژی با رویکرد صرفه‌جویی در انرژی پیروی می‌کنند. محمدی‌نیا

طی چهار دهه گذشته جمعیت ایران از یک جمعیت نیمه شهرنشین و نیمه روستائین به جامعه شهری یا شهرگرا تبدیل شده، به طوری که ضریب شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). این روند توسعه، شهرها را به مراکز مصرفی تبدیل کرده که بیشترین تأثیر را در محیط زیست خود می‌گذارند. مخاطرات محیط زیست که در عصر حاضر جوامع را تهدید می‌کنند از چند منبع مختلف نشأت می‌گیرند، از جمله می‌توان به صنعتی شدن ناپایدار، ازدیاد جمعیت شهرنشین و توسعه فضای ناپایدار شهری، شیوه تولید سرمایه‌داری و مصرف بی‌رویه و ناآگاهی از پیامدهای زیستی آن اشاره کرد. پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی به دنبال تبیین تأثیر سبک زندگی مصرفی در مفهوم ردپای بوم‌شناختی است که این شاخص ریشه بحران‌های محیط زیست را سبک زندگی مصرف‌گرای جمعیت، تولید بیش از حد زباله‌های غیرقابل بازیافت، آلودگی‌های صنعتی و تکنولوژی‌های ناکارآمد معرفی می‌کند.

به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد، میانگین ردپای بوم‌شناختی شهروندان تبریزی بیشتر از میانگین قابل

انتقال‌دهندگان فرهنگ، بر اصلاح فرهنگ مصرف برای حفاظت از محیط‌زیست به این مسئله اشاره کرده است که یکی از نتایج بارز مدیریت و کنترل مصرف، کاهش میزان مصرف انرژی از سوی خانواده‌هاست.

نتایج حاکی از آن است که به طور نسبی بین سبک زندگی مصرفی و تولید زباله رابطه قوی وجود دارد. بدیهی است یکی از پیامدهای افزایش مصرف کالا افزایش میزان زباله است که موجب بالارفتن ردپای بوم‌شناختی در بعد مربوط به مقدار زباله می‌شود.

بر اساس نتایج مشاهده می‌شود، شهروندان تبریز استفاده از وسایل نقلیه شخصی را بر استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ترجیح می‌دهند، این امر به افزایش ردپای بوم‌شناختی شهروندان در بعد حمل و نقل منجر می‌شود. بخش حمل و نقل درون‌شهری سهم عمده‌ای در مصرف سوخت و ایجاد آلودگی در فضای شهرها دارد. این مسئله علاوه بر ایجاد ترافیک و آلودگی صوتی، به علت نفوذ گازهای ناشی از سوخت بنزین و گازوئیل در جو موجب تشدید آلودگی هوا می‌شود. وسایل حمل و نقل عمومی اعم از اتوبوس و تاکسی‌هایی که در سطح شهر تردد می‌کنند نیز به واسطه سوزاندن سوخت‌های فسیلی عامل آلودگی هوا محسوب می‌شوند، اما با توجه به اینکه این وسایل در قبال سوزاندن مقدار معینی سوخت تعداد افراد بیشتری را جابه‌جا می‌کنند سرانه آلودگی ناشی از این‌ها کمتر از خودروهای شخصی است. در کنار نارسایی‌های بسیار جدی در نظام حمل و نقل عمومی، جاذبه خودروی شخصی و تبدیل شدن آن به نوعی شاخص منزلت از مهم‌ترین علل رواج استفاده از وسایل نقلیه شخصی در جامعه تحت بررسی است. در عصر حاضر مصرف به پدیده‌ای فرهنگی و نوعی شاخص تمایز و منزلت تبدیل شده است. از این رو صاحب‌نظران زیادی آن را نوعی تقلید اجتماعی تلقی می‌کنند. مفهوم تقلید برای نشان‌دادن رقابت و هم‌چشمی در مصرف است که حس هویت اجتماعی را فراهم می‌آورد. این نوع تقلید اجتماعی عامل

مهمی در رشد استفاده از وسایل نقلیه شخصی است. مک‌کندریک نبود حد و مرز بین طبقات مختلف و نزدیکی آن‌ها به یکدیگر در جامعه معاصر را که موجب می‌شود طبقات پایین‌تر نیازهای مشابه به طبقات بالا را حس کنند، یکی از عوامل مؤثر در تقلید اجتماعی می‌داند. این امر به خصوص زمانی که جمعیت طبقات مختلف بیشتر می‌شود تأثیر بیشتری در هم می‌گذارند و بیشتر از هم تقلید می‌کنند. این مسئله به ویژه در بعد حمل و نقل در جامعه تحت بررسی مشهود است.

اسپارگان و استرویر (۲۰۱۰) این نکته را گوشزد کرده‌اند که نقش شهروند مصرف‌کننده به منزله عامل ایجاد تغییر در محیط‌زیست بسیار مهم است. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که شهروندان حامی حفظ محیط‌زیست از شیوه‌هایی پیروی می‌کنند که در آن هر شهروند در حکم مصرف‌کننده متوجه ایجاد پیامدهای مصرف برای محل و منطقه خود است. گالی و همکاران (۲۰۱۰) نیز که اقدام به مطالعه ردپای بوم‌شناختی خانواده کرده‌اند به تأثیر سبک زندگی در طبیعت تأکید کرده‌اند.

نتیجه کلی این بررسی‌ها نشان می‌دهد برای حل مشکلات و پرهیز از بروز و تشدید مخاطرات محیط‌زیستی رویکردی نوین نسبت به محیط‌زیست ضرورت دارد که در آن متخصصان و تولیدکنندگان به تولید و شهروندان به مصرف محصولات سازگار با محیط‌زیست تشویق شوند. به نظر می‌رسد از آنجا که بخش اعظم مخاطرات محیط‌زیست از شهرها و خانه‌ها آغاز می‌شود، استفاده از مشارکت شهروندان مؤثرترین راهکار حفاظت از محیط‌زیست است.

در روند دستیابی به پایداری، کنترل هماهنگی تولیدات صنعتی با ساختار طبیعت، هم‌سویی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با محیط‌زیست؛ کنترل تولید زباله‌های صنعتی و غیرقابل بازیافت، ایجاد فرهنگ مصرف سازگار با محیط‌زیست و متناسب با امکانات طبیعی محل زندگی به جای ترویج و تبلیغ ایدئولوژی مصرف‌گرایی از جمله اقدامات لازم برای تغییر سبک زندگی مصرفی افراد برای

روزانه می‌شود. از این رو طراحی حوزه‌های کوچک و متوسط دارای بافت‌های متنوع درون‌شهری که ساکنان آن بتوانند نیازهای مصرفی و اوقات فراغت خود را بدون الزام به تردهای طولانی با صرف زمان و هزینه کمتر تأمین کنند یکی دیگر از راهکارهایی است که در کاهش مؤلفه حمل و نقل مؤثر به نظر می‌رسد.

- با توجه به تأثیر و نقش تقلید اجتماعی در مصرف و مصرف‌گرایی می‌توان از این عامل در ترویج فرهنگ رفتارهای حفاظت از محیط‌زیست استفاده کرد. از آنجا که طبقات پایین‌تر سعی می‌کنند با تقلید کردن رفتارهای متعلق به طبقه بالای جامعه سبک زندگی خود را به ایده‌ها و سبک زندگی این طبقه نزدیک کنند، انتظار می‌رود برقرارکردن رفتارهای مسئولانه در قبال حفاظت از محیط‌زیست در طبقات بالاتر به تقلید این رفتارها در طبقات پایین‌تر و کاهش ردپای بوم‌شناختی منجر شود.

یادداشت‌ها

۱. ردپای بوم‌شناختی معادل فارسی اصطلاح Ecological Footprint است که به منزله شاخص سنجش میزان استفاده از منابع تجدیدپذیر از سوی جمعیت مسکون در یک منطقه برای تأمین خدمات انسانی مورد نیاز آن‌ها به کار می‌رود.
۲. EF_c شاخص میانگین کل سرانه ردپای بوم‌شناختی است که بر اساس مصرف اقلام مربوط به خوراک، مسکن، حمل و نقل، کالاها و خدمات مصرفی جمعیت محاسبه می‌شود.

حفاظت از منابع طبیعی است، در غیر این صورت حل مشکلات محیط‌زیست مستلزم استفاده از روش‌های پرهزینه، دشوار و نیازمند زمان طولانی است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، برای کاهش ردپای بوم‌شناختی در جامعه مورد مطالعه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- به کار نگرفتن کالاهای قابل استفاده مجدد از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در بالارفتن ردپای بوم‌شناختی در جامعه تحت بررسی است. آموزش و ترویج استفاده از کالاهای بادوام که بتواند به صورت مکرر استفاده شود و تقاضا برای مصرف بیشتر را کاهش دهد می‌تواند در کاهش ردپای بوم‌شناختی شهروندان مؤثر باشد.
- لازم است با افزایش کمیت و کیفیت خدمات حمل و نقل عمومی درون‌شهری از جمله تسریع در راه‌اندازی قطار شهری، استفاده از ناوگان اتوبوسرانی و تاکسیرانی با سوخت پاک و در کنار آن فرهنگ‌سازی و ترویج پیاده‌روی یا استفاده از دوچرخه با طراحی مسیرهای ویژه در مناطق مناسب در سطح شهر، برقراری مجدد سرویس کارکنان ادارات و مراکز خدماتی به بهبود وضعیت در این زمینه کمک کرد.
- رواج طراحی حوزه‌های تک‌کارکردی در کلان‌شهرها از قبیل ایجاد شهرک‌های صنعتی در اطراف شهر موجب افزایش فاصله نقاط کاری با مسکونی در درون شهر و افزایش سفرهای درون و برون‌شهری

منابع

- باکاک، ر. ۱۳۸۱. مصرف، ترجمه خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- بهار، م. ۱۳۹۱. فرهنگ مصرف، تهران انتشارات سمت.
- بودریار، ژ. ۱۳۸۹. جامعه مصرفی، اسطوره‌ها و ساختارها، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
- بی‌نام، ۱۳۹۲. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استان آذربایجان شرقی، تهران، مرکز آمار ایران.
- سرایبی، م. و زارعی‌فرشاد، ع. ۱۳۸۹. ارزیابی توسعه پایدار بوشهر از منظر اقتصادی و اجتماعی با استفاده از شاخص EF، مجله علوم اجتماعی، شماره ۵۰، ص ۳۷-۶۱.

- صالحی، ص. ۱۳۸۹. نگرش جدید به محیط‌زیست و مصرف انرژی، فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۰، ص ۱۹۷-۲۱۶.
- فاضلی، م. ص. ۱۳۸۲. مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فردرو، م. و صداقت‌زادگان، ش. ۱۳۸۰. پایگاه اقتصادی اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، تهران، نشر آرون.
- کاپرا، ف. ۱۳۸۶. پیوندهای پنهان، تلفیق گستره‌های زیستی، شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری، مترجم محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.
- کهیل، م. ۱۳۸۷. سیاست اجتماعی و محیط‌زیست، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و سهراب امیریان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدنز، آ. ۱۳۸۷، تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- محمدی‌نیا، ط. ۱۳۸۶. بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر عملکرد زنان جهت حفظ محیط‌زیست: مطالعه موردی شهر لپویی، پایان‌نامه، دانشگاه شیراز.

Cahill, M. 2002. *The Environment and Social Policy*. London and New York: Routledge.

Featherstone, M. 1991. *Consumer culture and postmodernism*, London and Newbury Park, Calif, Sage Publication.

Galli, A., Wiedmann T., Ercin, A. E., Ewing B., Giljum, S. 2010. Integrating Ecological Carbon and Water Footprint into a "Footprint Family" of indicators, Academic Conference FOOTPRINT FORUM 2010, Short Communications, Colle Val d'Elsa, 9th-10th June 2010, Editor Simone Bastianoni, Pub. Global Footprint Network & Ecodynamics.

Gray, R. 2010. Is accounting for sustainability actually accounting for Sustainability ... and how would we know? An exploration of narratives of organizations and the planet, *Accounting, Organization and Society*, 35, 47-62.

Gatersleben, B. White, E. Abrahamse, W. Jackson, T. Uzzell, D. 2009. Materialism and Environmental Concern Examining Values and Lifestyle Choices Among Participants of the 21th Century Living Project. Resolve Working paper in <http://www.surrey.ac.uk/resolve/>.

Mclaren, D., Bullock, S. and Yousuf, N. 1998. *Tomorrows World: Britain share in a Sustainable Future*, London: Eaethscan.

Meadows, D. H., Meadows, D. L. and Randers, J. 1972. *The Limits to Growth*, New York: Universe Books.

Ozmete, E. 2011. Understanding of Social Capital with Ecosystem Approach, *International Journal of Academic Research*, Vol 3, No 3, 333-339.

Partidario, M. R., Gustavo V. and Constança B. 2010. Can New Perspectives on Sustainability Drive Lifestyles, *Sustainability* 2010, 2, 2849-2872.

Rees, W.E. & Wackernagel, M. 1996. Urban Ecological Footprints: Why Cities Cannot be Sustainable and Why They are a Key to Sustainability? in *Environmental Impact Assess Review* 16, 223- 248.

Ruini, L., Campra, L., Pratesi, C. A., and Marino, M., Filareto, A. 2010. What is Better for You Is Better For the Environment? The State of the Art in Ecological Footprint Theory and Applications, Academic Conference FOOTPRINT FORUM 2010, Short Communications, Colle Val d'Elsa, 9th-10th June 2010, Editor Simone Bastianoni, Pub. Global Footprint Network & Ecodynamics.

Smith, M.J. (1998) *Ecologism, Towards Ecological citizenship*, Buckingham: Open University Press.

Spaargaren, G. & Oosterveer, P. 2010. Citizen-Consumers as Agents of Change in Globalizing Modernity: The Case of Sustainable Consumption, *The Journal of Sustainability*, Vol. 2, 1887-1908.

Tomlinson, M. 1998. *Lifestyle and Social Classes*. Center for research on Innovation and Competition. CRIC: The University of Manchester.

Wilson, J., Anielski, M. 2004. Ecological Footprint of Canadian municipalities and Region. *The Federation of Canadian Municipalities*.